

خبر

اهدای جایزه «گیلر» به کتابی درباره مهاجرت



بخش فرهنگی – جایزه ادبی «گیلر» کتابی با موضوع مهاجرت را به عنوان برنده نهایی این جایزه معرفی کرد. به گزارش ایسنا، «سوونپگام تاماونگسا» برای خلق نخستین مجموعه داستان کوتاه خود با عنوان «چطور چاقو را تلفظ کنیم» به عنوان برنده جایزه «گیلر» در سال ۲۰۲۰ معرفی شد. «تاماونگسا» برای کسب این جایزه ۱۰۰ هزار دلاری با آثاری همچون «ریچ راتر» به قلم «گیل آدامسون»، «قطب‌نمای گردبادی» نوشته «شانی موتو» و «هتل شیشمای» نوشته «امیلی سنت جان مندل» و «این‌جا تاریکی» اثر «دیوید برگن» به رقابت پرداخت. به هر یک از نویسندگان راه‌یافته به فهرست نهایی این جایزه ادبی مبلغ ۱۰ هزار دلار اهدا خواهد شد. برنده این جایزه شب گذشته و در جریان یک مراسم معرفی شد. هیات داوران در وصف کتاب منتخب این دوره نوشته است: «کتاب «چطور چاقو را تلفظ کنیم یک مجموعه داستان فوق‌العاده است که تجربه مهاجرت را در نثری درنکاد و در عین حال زیبا منتقل می‌کند.» «سوونپگام تاماونگسا» نویسنده چند کتاب شعر نیز هست که از جمله آن‌ها به «نور»، «پیداشده» و «خوشه» می‌توان اشاره کرد. جایزه ادبی «گیلر» که در سال ۱۹۹۴ پایه‌گذاری شد، از معتبرترین جایزه‌های کتاب‌های داستانی کانادا شناخته می‌شود و هرساله به بهترین رمان، کتاب مصور و یا مجموعه داستان کوتاه کانادایی تعلق می‌گیرد که به زبان انگلیسی منتشر شده باشد. به برنده این جایزه ادبی ۱۰۰ هزار دلار اهدا می‌شود. این جایزه از سال ۲۰۰۵ تاکنون با حمایت بانک کانادایی «اسکاتیا بانک» برگزار شده است. از چهره‌های سرشناسی که پیش‌تر جایزه «گیلر» را از آن خود کرده‌اند، می‌توان به «مارگارت اتوود»، «اسی ادوکیان»، «آلیس مونرو» و «مایکل اونداجی» اشاره کرد.

●●●●●

آیین تجلیل از ضیا موحد برگزار می‌شود

بخش فرهنگی – همزمان با هفته کتاب و در آیین اختتامیه هجدهمین جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی از خدمات علمی و دانشگاهی سید ضیاء موحد قردرانی می‌شود. به نقل از روابط عمومی سازمان انتشارات جهاددانشگاهی، در این آئین که ۲۶ آبان ۱۳۹۹ به همت سازمان انتشارات جهاددانشگاهی برگزار می‌شود، ز دکتر سید ضیا موحد، استاد برجسته فلسفه، منطق و ادبیات به عنوان استاد راهنمای برگزیده و تقدیر خواهد شد.

ضیا موحد، راهنمایی، مشاوره و داوری تعداد زیادی پایان‌نامه دانشگاهی را در طول سال‌های فعالیت دانشگاهی برعهده داشته و از داوران اصلی جایزه دکتر فتح الله مجتبیایی است که به پایان‌نامه‌های برتر رشته‌های ادبیات، ادیان و عرفان تعلق می‌گیرد. گفتنی است، جایزه استاد راهنمای برگزیده در هر دوره از جشنواره ملی پایان‌نامه‌های سال دانشجویی به استنادانی تعلق می‌گیرد که در زمینه راهنمایی، مشاوره و داوری پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی خدمات علمی شایان توجهی داشته‌اند. این مراسم ۲۶ آبان ماه از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در استودیو مبین سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور برگزار و همزمان از سایت رویتاب به آدرس HTTP://ROYTAB.IR و سازمان انتشارات جهاددانشگاهی به آدرس HTTP://ISBA.IR و صفحه اینستاگرام سازمان انتشارات به آدرس HTTPS://WWW.INSTAGRAM.COM/ISBA.IRبه صورت زنده پخش می‌شود.

بخش فرهنگی – مهدی اخوان ثالث «نیما» را «مرد مردستان» می‌دانست و می‌گفت: من حیران بودم در دیدارها و حتی غیاب او – غرقه در شعرها و کارهایش – که این مرد مردستان، از کدام خم و چشمه و دریا سیویش – سوی همیشه در پستویش – را پر می‌کند؟

به گزارش ایسنا، مهدی اخوان ثالث (م.امید) در کتابی با عنوان «بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج» در بخشی با عنوان «نیما مردی بود مردستان» با شرح وضعیت اجتماعی و فرهنگی روزگار پس از انقلاب مشروطه، از خلوت‌گزینی یا چله‌نشینی نیما یوشیج می‌گوید و ضمن بررسی علت‌های آن به اثرگذاری‌اش بر شعر و مکتب ادبی پدر شعر نو فارسی می‌پردازد.

در صد و بیست و سومین سال‌روز تولد نیما یوشیج بخشی از این کتاب را از چاپ دوم آن که در سال ۱۳۶۹ در سه‌هزار نسخه توسط انتشارات بزرگمهر منتشر شده است می‌خوانیم: «فقط کسانی مثل صادق هدایت، فرزاد، پروین اعتصامی و نکوتوتکی دیگر بودند که برکنار از موج‌های زمانه هر کدام برای خود به راهی جدا می‌رفتند و نیز نیما یوشیج بود که این دگردیسی‌ها را می‌دید و در خلوت خود به حساب‌ها می‌رسید و می‌آندیشید و «افسانه» را منتشر کرده بود و نیز «خانواده سرباز» را و کم‌کم دریافته بود که بیرون هوا بس ناجوانمردانه سرد است. سنگ می‌ترکاند.

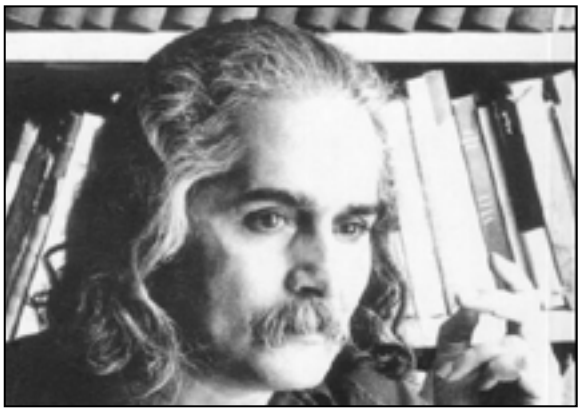
می‌گوید: «این تاریخ تقارن بود با آغاز دوره سختی و فشار برای کشور من، ثمره‌ای که این مدت برای من داشت این بود که من روش کار خود را منظم‌تر پیدا کنم، روشی که در ادبیات زبان کشور من نبود و من به زحمت عمری در زیر بار خودم و کلمات و شیوه کلاسیک، راه را صاف و آماده کردم و اکنون پیش پای نسل تازه نفس می‌اندازم…» این سخنانی است که نیما در ۱۳۲۵ شمسی گفته، مثل گزارشی که از مسئولیت و رسالت خود به کنگره اهل قلم کشورش داده باشد. دیدیم که راه نیما لاقل برای خودش روشن شده بود، او یا بایست مثل اغلب دیگرانی که بودند تن به جاری ناجوانمردانه می‌سپرد، یا سر در لاک خود می‌کشید، او چنین کرد، نه چنان.

«افسانه» گرچه حدفاصلی بود بین شلاق‌های توفانی مشروطیت و ادب قدیم و دنیایی که نیما بعدها به ایجاد آن توفیق یافت، اما به حد کافی دنیای ادبیات مرسوم آن زمان را خشمگین کرده بود. در مقدمه «خانواده سرباز» که در ۱۳۰۴ منتشر شد، می‌خوانیم: «توبت آن رسید که یک نغمه ناشناس نوتر ازین چنگ باز شود. باز شد. چند صفحه از «افسانه» را با مقدمه کوچکش، تقریبا در همان زمان تصنیفش (۱۳۰۰ شمسی) در روزنامه‌ای که صاحب جوانش را به واسطه استعدادی که داشت با خود هم‌عقیده کرده بودم، انتشار دادم. در آن زمان از تغییر طرز ادای احساسات عاشقانه به هیچ‌وجه صحبتی در بین نبود. ذهن‌هایی که با موسیقی محدود و یکنواخت شرقی عادت داشتند، با

{فرهنگ و هنر }

«مردِ مردستان»

ظرافت‌کاری‌های غیرطبیعی غزل قدیم مانوس بودند. یک سری برای استماع آن نغمه از این دخمه(ها) بیرون نیامد. «افسانه» با موسیقی آن‌ها جور نشده بود، عیب گرفتند. رد شد. ولی برای مصنف ایدا تفاوتی نکرد. می‌دانست اساس



به جایی گذارده نشده که در دسترس عموم واقع شده باشد. حتی خود او هم وقت مناسب لازم دارد تا یک دفعه دیگر به طرز خیالات «افسانه» نزدیک شود… در هر حال(من) نوک خاری هستم که طبیعت مرا برای چشم‌های علیل و نابینا تهیه کرده است. مقصود مهم من خدمتی است که دیگران به‌واسطه ضعف فکر و احساس و انحراف از مثنی سالمی که طبیعت برای‌شان تعیین کرده است، از انجام آن‌گونه خدمات عاجزند…» خوب، تا حالا. این سه دلیل برای خلوت‌گزینی یا به تعبیر من چله‌نشینی نیما. بشمریم:

- ناتجیبی روزگار و خفقانی که سکوت را از صدا خوش‌تر است.
- ناسازگاری و نیز دگردیسی اغلبی از احبای اهل، که نامردی را بر همدردی برگزیدند.
- و از همه مهم‌تر: بی‌پناه ماندن حقایقی که مشروطیت با خود آورده بود. او بعدها با توجهی که به سیر ساری دنیا داشت، به حقایق دیگری نیز آشنا شد و دیدیم که به همه آن‌ها تا آخر عمر مومن و وفادار ماند.

کارهای نیما، با ارزش بیش و کمال بیشتر، مسلما کارهایی است که پس از «افسانه» کرده است. این نکته بی‌آن‌که ما را از ارزش فراوان «افسانه» غافل کند، یا از آن بکاهد، درخور توجه است. «افسانه» به منزله کوک کردن ساز بود – یا نه – به مثابه کرمشه و درآمدی بود گوشه‌های عالی و اعجاب‌انگیز گاهان شعر نیما در دنباله آن بود. از سالی که «افسانه» منتشر شد و بگومگوهایی راه

بخش فرهنگی – مهوش صبرکن درباره بازخوردهای بازی اش

در نقش مادر «خانم بس» در سریال «پس از باران» گفت: در آن زمان که فضای مجازی هم نبود، خیلی‌ها باورش‌ان نمی‌شد که من همسر واقعی ارباب باشم.

به گزارش ایسنا، مهوش صبرکن که تاکنون در سریال‌هایی چون «جراحت»، «یوسف پیامبر(ع)»، «روشن‌تر از خاموشی»، «پنجمین خورشید»، «بشت کوه‌های بلند»، «خاطرات مرد ناتمام» و «رسم شیدایی» ایفای نقش کرده است، به‌تازگی سریال «پس از باران» با بازی وی از آی‌فیلم بازپخش می‌شود. این بازیگر به آی فیلم گفت: در سریال «پس از باران» قرار بود نقشی را بازی کنم که از خودم خیلی بزرگ‌تر بود و برای نزدیک‌شدن به آن نقش گریم سنگین روی صورتم انجام شد و لباس‌هایی پوشیدم که بزرگ‌تر از سن خودم دیده می‌شدم. صبرکن با اشاره به اینکه در آن زمان فضای مجازی نبود که اطلاعات زندگی بازیگران در دسترس مردم باشد و خیلی‌ها باورش‌ان نمی‌شد که او همسر واقعی ارباب باشد، اضافه کرد: با اینکه

۵ پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹

انداخت، تا سال‌های شگفتگی و بلوغ شعر نیما، که به نظر من از ۱۳۱۶ و ۱۷ به بعد است، نیما در خانه خود گویی چله نشسته بود و در بوته آزمایش‌های گوناگون خویش، که چندان‌ی هم از آن را به بازار نفرستاد، می‌ساخت و ویران می‌کرد و باز دوباره می‌ساخت. این سال‌های چله‌نشینی در حقیقت نطفه انقلاب کیفی و اصیل او را پروراند و به بار آورد. مخصوصا به این نکته توجه داشته باشیم که در خلال این سال‌ها بسیاری از شاعرانی که در آغاز جوانی نیما نامور بودند یا مراحل ناموری را می‌پیمودند، بارهاشان را به منزل رساندند یا به اوج شگفتگی خود نائل آمدند.

نیما و همسرش، عالیه

قبلا در این‌باره از جهت دیگری بحث کردیم، این‌جا همان مسئله به شکل دیگری و برای رساندن دقیقه دیگری مطرح است. یعنی این‌جا می‌خواهم بگویم که حاصل هنر آنان مثل دفتر تجربه‌ای پیش روی نیما گشوده بود. زیرا می‌دانیم در خلال همین سال‌ها بود که ایرج مرد، عشقی کشته شد، عارف به نحو رموزی در تبعیدگاهش مرد، حیدرعلی کمالی به سکوت پیرانه‌سر گرایید، پروین و بهار و رشید به کمال رسیدند و راه دیگران نیز مشخص شد. همچنان که کارهای تحقیقی در ادب گذشته ما نیز نسبه به نضج و کمال رسید. آن‌ها که هوشیار کار بودند به پاره‌ای بررسی‌ها و کارهای تحقیقی در ادب گذشته ما پرداخته بودند. مثلا به یاد داشته باشیم که ملک‌الشعرای بهار خطابه معروف خود را به نام بازگشت ادبی برخوانده بود. دهخدا امثال و حکم خود را نشر کرده بود و سرگرم لغتنامه بزرگ خود بود، و غیره و غیره.

بعد از این سال‌ها یعنی در اواخر دوره بیست‌ساله بود که نیما کم‌کم از چله خود بیرون می‌آمد. بیرون آمد. و دیدیم که از این سفر روحانی که عبارت باشد از غور و مطالعه در ادب قدیم و پاره‌ای عربیات، خاصه ادب معاصر عرب، و همچنین طرفی مطالعات در هنر و فرهنگ فرنگ از این‌گونه سفرهای ره‌آوردی نیز داشت که نتیجه مطالعاتش بود و می‌رساند که در این سال‌ها، مرد، مایه گرفته، کم از این‌که به چشم‌اندازهای تازه‌ای دست یافته. این ره‌آورد سلسله مقالات او به نام ارزش احساسات بود که چنان چون رساله اجتهاد و تاملاتش بود در ادب و هنر شرق و غرب.»

نیما و پسرش، شراگیم

علی اسفندیاری مشهور به نیما یوشیج در ۲۱ آبان ۱۲۷۶ متولد شد. او بنیان‌گذار شعر نو فارسی است و به همین علت به او لقب «پدر شعر نو فارسی» داده شده است. از شعرهای او می‌توان به «قصه رنگ‌پریده»، «افسانه»، «ای شب»، «مانلی» و از دیگر آثار او می‌توان به «دنیا خانه من است»، «شعر چیست؟»، «حرف‌های همسایه» و … اشاره کرد.

نیما یوشیج در ۱۳ دی ۱۳۲۸ در سن ۶۲ سالگی درگذشت.

یادی از «پس از باران» در گفت وگو با مهوش صبرکن

باور نمی کردند من همسر واقعی اربابم

بازیگر «پس از باران» ابراز کرد: نقشم را در این سریال بسیار دوست داشتم و یادم است با چالش‌های فراوان، این نقش را بازی کردم؛ اما در نهایت موفق شدم که به بهترین شکل ایفاگر آن باشم.

صبرکن درباره چالش‌هایش برای قبول این نقش گفت: تازه از شیراز به تهران منتقل شده بودیم و برابمان سخت بود که دو نفرمان سرکار باشیم و از بچه‌ها دور باشیم. به همین خاطر خیلی بین من و محمود پاک‌نیت بحث و گفت‌وگو شکل گرفت تا بتوانیم در این سریال بازی کنیم. چالش دیگرم این بود که من باید برای تقسم مابه‌ازایی پیدا می‌کردم. به همین دلیل برای پیدا کردن شخصیت طاهره خیلی تلاش کردم.

وی که در دو سریال «پس از باران» و «یوسف پیامبر(ع)» با کتابیون ریاحی هم‌بازی بوده است، درباره این بازیگر گفت: وقتی کسی نقش مقابلت قرار می‌گیرد اگر آداب حرفه‌ای کارش را بلد باشد، کارکردن با آن بازیگر دلنشین است و خانم کتابیون ریاحی از این دست از بازیگران حرفه‌ای کشورمان است.

آگهی فراخوان

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه انزلی درنظر دارد براساس توافق‌نامه فی‌مابین با سازمان منطقه آزاد انزلی، تعداد هفت دستگاه خودرو را بدون راننده، به منظور جمع‌آوری، بسته‌بندی، بارگیری، حمل و امحای پسماند زباله و تحویل به مراکز تخلیه زباله، به مدت شش ماه اجاره نماید.

مشخصات و نوع خودروها:

*** کامیونت کمپرسی، یک دستگاه.**

*** کامیونت زباله‌کش مکانیزه، چهار دستگاه.**

*** کامیون زباله‌کش مکانیزه، دو دستگاه.**

توضیح اینکه: معدل سنی خودروها باید با معدل سنی کمتر از ۲۵ سال (تاریخ تولید سال ۱۳۷۴ و بعد از آن) و آماده به کار باشند.

براین اساس، متقاضیان می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی به امور مالی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه انزلی به نشانی گیلان منطقه آزاد انزلی کیلومتر پنج بلوار شهید فاتحی، فاز تجارت و سیاحت، مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی، مراجعه کرده و اسناد مناقصه را خریداری و ظرف مهلت معین شده پیشنهاد خود را در پاکت دربسته به دبیرخانه شرکت تحویل نموده و رسید دریافت نمایند.

اطلاعات تکمیلی و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است و شماره تلفن ۰۱۳-۳۴۴۳۷۷۶۶-جهت کسب اطلاع بیشتر معرفی می‌گردد.

عماد پورصفار

رییس هیات مدیره